برگ مشخصات مقاله

عنوان:« تاثیر عوامل جغرافیایی بر تکوین، گسترش و نابودی شهر تابران توس»

نویسندگان:

۱- هاشم حسینی* (دانشجوی دورهٔ دکترای باستان شناسی اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس)

نشانی:

الف: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکدهٔ علوم انسانی،گروه باستان شناسی، شمارهٔ تماس: ۰۲۱٦٦٥٩٥٨٤۰ و ۰٥۱۱۸٦٤۲٤۸٦

ب: پست الکترونیک: Hashemhoseyny@yahoo.com

۲- دکتر مجتبی انصاری(استادیار پایه ۱۲ دانشگاه تربیت مدرس)

ب: پست الکترونیک: Ansari_m@modares.ac.ir

۳- دکتر محمود طاووسی(استاد پایهٔ ۲۳ دانشگاه تربیت مدرس)

٤- دکتر مهدی موسوی کوهپر(استادیار دانشگاه تربیت مدرس)

Title: The Effect of the Geographical Factors on the Foundation, Development and Destruction of TABARAN TOUS city

Authors:

1- Hashem Hoseyny*(PhD Student of Islamic Archaeology of T.M.U.)
Address: Tehran, university of T.M.U., Faculty of Human Sciences, Dept of Archaeology, and Phone Number: +98-02166433500 & +98-05118642486 & +92-09153113720
Email Address: hashemhoseyny@yahoo.com
2- DR. Mojtaba Ansary (Assistant Prof. of T.M.U., Faculty of Arts, Dept of Architecture)
3-
4- DR Mahmood Tawoosy(Full Prof. of T.M.U., Faculty of Arts, Dept of art Studies)
5- DR. Mahdy Moosavy Koohpar (Assistant Prof. of T.M.U, faculty of human sciences ,Dept of archaeology)

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عنوان مقاله: « تاثیرات عوامل جغرافیایی بر تکوین، گسترش و نابودی شهر تابران توس»

چکیدهٔ فارسی:

در بوجود آمدن و گسترش یافتن محیطهای شهری عوامل مختلفی مؤثرند که بی شک در میان آنها، عوامل جغرافیایی و زیست محیطی مهمترین نقش را دارند. دشت توس یا کشف رود که شهر ویران شدهٔ تابران توس در آن واقع شده است با توجه به برخورداری از مجموعه ای از عوامل مطلوب زیست محیطی از جمله منابع آب فراوان، وجود چشمه سارها و رودهای فصلی، هوای مساعد، خاک حاصلخیز، پوشش غنی گیاهی و مراتع سرسبز، موجبات جلب توجه و اقامت جمعیتهای انسانی و مهاجرین را از کهن ترین زمانها فراهم آورده است. پیدایش دست افزارهای سنگی در میانهٔ دشت و کناره های کشف رود متعلق به دوران پارینه سنگی زیرین، وجود غارهای باستانی در حاشیه دشت و سکونت گاههای پیش از تاریخ و تاریخی، شواهدی ارزشمند در این زمینه می باشند. علاوه بر این قرار داشتن شهر تابران توس در نزدیکی مرزهای اقوام مهاجم آسیای مرکزی، موقعیت حساسی را طی قرون میانی اسلامی به عنوان یک منطقهٔ سوق الجیشی تدافعی به آن بخشیده بود. اما با گسترش یافتن شهر مقدس مشهد از قرن ۸ هجری به بعد، شهر تابران موقعیت سوق الجیشی خود را از دست داد و با انتقال آب چشمه گیلاس که از مهمترین منابع تامین آب شهر تابران توس بود، عوامل جغرافیایی مطلوب در این منطقه از بین رفت و این شهر برای همیشه متروک گشت. در این مقاله سعی شده است تاثیر عوامل تکوین و گسترش این شهر طی قرون میانی اسلامی و همچنین نابودی و متروکه شدن آن از قرن ۸ هجری به بعد که بیشتر ریشه در مسایل جغرافیایی دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: عوامل جغرافیایی، تکوین، نابودی، تابران توس

Title: The Effect of the Geographical Factors on the Foundation, Development and Destruction of TABARAN TOUS city

English abstract:

Different factors are impressive in foundation and development of an urban circumference that undoubtedly between them, Geographical and environment factors have the most important role. The TOUS or KASHAFROOD plain in KHORASAN in which the ruined city of TABARAN TOUS is located enjoys many of desired environmental factors such as abundant water principals; existence of springs and seasonal rivers, good weather, fertile soil, rich herbaceous cover and green pasturages has caused attraction and settlement of human groups from old times. Old stones tools discovered in this plain and KASHAFROOD borders belong to lower Paleolithic and existence of archaic caves in plain border and before historic and after historic settlement are good evidences in this connection. Further more location of TABARAN TOUS near the borders of central Asian tribes had granted a sensitive location to this town as a strategic military area in middle ages. But with development of MASHHAD city from 8th century after hijrah, city of TABARAN had lost its strategic location and with transfer of GILAS spring water to MASHHAD that one of the most important principals of safeguarding of TABARAN water, desired geographical factors differed in this region and this city abandoned for ever. In this paper I have tried to survey effect of factors on foundation and development of this city in Middle Islamic Ages and also its destruction and abandonment after 8th century after hijrah which were rooted that it caused according to geographical factors.

Keywords: Geographical Factors, Foundation, Destruction, TABARAN TOUS.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بنام خدا

مقدمه:

ویژگی های شهرسازی ایران در دورهٔ اسلامی همانند ادوار پیشین زاییدهٔ تحولات اقتصادی، اجتماعی، نظامی و بویژه مذهبی بوده که در شکل گیری شهرها و توسعهٔ آنها تاثیر مهمی به جای گذاشته است. شهرسازی این دوره همچنین بستگی به قدرت حکومت داشته و ظهور و توسعه و سقوط یک شهر با جریانات سیاسی در ارتباط بوده است.

فرایند تشکیل و توسعهٔ این شهرها را می توان با توجه به سه گروه از عوامل، مشتمل بر محیط طبیعی فلات ایـران ، رویدادهای تجاری و تاریخی و ساختارهای مذهبی و اجتماعی- سیاسی ایران مـورد مطالعـه قـرار داد. امـا همـواره محیط طبیعی یا جغرافیایی به وضوح مهمترین نقش را ایفا کـرده اسـت. ایـن عامـل بـر موقعیـت و جهـت گیـری مسیرهای عمدهٔ تجاری نیز تاثیر داشته است.

یکی از مهمترین ابعاد تاثیر عوامل جغرافیایی مربوط به موقعیت جغرافیایی یک شهر است. مسایلی ماننـد وضـعیت دسترسی به منابع آبی چه برای کشاورزی چه برای مصارف شهری، شکل زمین(ناهمواری) از نظر استفادهٔ معیشتی یا سهولت ارتباطی، قابلیت یا عدم قابلیت کشاورزی و کیفیت آن، نزدیکی یـا دوری شـهرهای کوچـک نـسبت بـه شهرهای بزرگتر، اهمیت یا عدم اهمیت جغرافیای نظامی یا سیاسی (ژئوپولتیک) یک شـهر جـزء مهمتـرین عوامـل مرتبط با موقعیت جغرافیایی آن شهر محسوب می شود.

موقعیت جغرافیایی چنانچه با دیگر عوامل لازم در هماهنگی باشد، می تواند نقش مهمی در تکوین و ادامـهٔ حیـات یک شهر ایفا کند. با توجه به این اصل شهرهایی که در مسیر شبکه های اصلی ارتباطی و تجاری واقع شده اند و از هر سمت امکان برقراری ارتباط با سایر شهرهای عمده را دارند، و یا با توجه به موقعیـت جغرافیـایی از منـابع آب دایمی و فراوان برخوردارند، بیشتر امکان توسعه و پایداری سکونت در آن نقطـه را دارنـد. از دیگـر سـو موقعیـت حاشیه ای و بسته بودن ارتباطات یک شهر و یا ضعف سایر عوامل مـرتبط و متـاثر از موقعیـت جغرافیـایی نیـز در عدم توسعه و ادامهٔ حیات آن شهر نقش مهمی دارند.

یکی دیگر از ابعاد تاثیر موقعیت جغرافیایی، مربوط به وضعیت یک شهر نسبت به شاهراههای مهم تجاری و یا اقتصادی است. تقریبا تمام شهرهای مهم ایران از دوران باستان در طول مسیرهای اصلی تجارتی واقع شده بودند. مهمترین این راههای تجاری در ایران، راه فرهنگی- تجاری ابریشم با جهت شرقی- غربی بوده است. این راه که مهمترین جادهٔ بازرگانی دنیای باستان محسوب می شود با طول بیش از ده هزار کیلومتر از چین تا سوریه برخی از شهرهای عمدهٔ باستانی ایران مثل نیشابور، ری، قزوین و تبریز را در فلات ایران به هم مرتبط می ساخته است.

تاثیر عوامل جغرافیایی بر شکل گیری شهرها را علاوه بر شهر های قدیم، می توان در شهرهای امروزی نیز بوضوح مشاهده کرد، بطوریکه تعداد زیادی از شهرهای جدید نزدیک یا در همان مکان تقریبی شهرهای میانی و باستانی ایران که در طول جاده های تجارتی باستانی مستقر بوده اند، قرار دارند. این شهرها در طول کوهپایهٔ رشته کوههای

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مرتفع در حواشی بیابان یا در حوضه های میان کوهستانی، که در آنجا آب و زمینهای قابل کشت وجود داشته و دارد، پراکنده شده اند.

در گذشته علاوه بر عوامل جغرافیایی که به درستی مقر یک شهر، با توجه به آنها تعیین می شد گاهی برخی مسایل سیاسی، بدون در نظر گرفتن عوامل فوق، زیربنای ساخت یک شهر را تشکیل می دادند. بعنوان مثال بسیاری از شاهان و شاهزادگان شهرهایی برای خود می ساختند. آن شهرهایی که در مکانهای بهتری استقرار یافته بودند، اکنون وجود دارند در حالیکه آنهایی که در جای مناسب مستقر نبودند متروک مانده یا هرگز در حد یک سکونتگاه مهم رشد نکردند. در میان گروه دوم شهر سلطانیه قابل ذکر است که بر خلاف سایر شهرهای ایران، این شهر در جایی بدون آب کافی و پسکرانه های قابل کشت و به دور از جاده های مهم تجاری ساخته شده بود.

علاوه بر این، اوضاع سیاسی یک دورهٔ خاص در میزان رشد و توسعهٔ یک شهر تاثیرگذار بوده و می باشد. بدین معنی که در یک دورهٔ تاریخی معین با عدم امکان دستیابی به امکانات اقتصادی و فنی مؤثر مکان جغرافیایی شهر بی حرکت و نازا، در دورهٔ تاریخی دیگر به تبع بهره گیری از داده های اقتصادی و عملی و فنی وسیع، رشد شهر سریع تر و پویاتر بوده است.

علاوه بر اینها، عوامل مذهبی نیز در تشکیل برخی از شهرهای ایران مؤثر بوده است. بهترین مثال برای این دسته، شهر مقدس مشهد است. این شهر با وجود اینکه در یک حوضهٔ میان کوهستانی و در طول جادهٔ تجاری با جهت شرقی – غربی واقع شده و دارای پسکرانه های زراعی بوده و توسط قنات و تا اندازه ای توسط کشف رود که از رشته کوههای بینالود و هزار مسجد سرچشمه می گیرد، آبیاری می شود اما مهمترین عامل تشکیل و توسعهٔ آن شهادت و تدفین امام رضا(ع) در آنجا می باشد. همچنین شهر مقدس قم با وجود عدم دسترسی به آب شیرین برای شرب یا کشاورزی و همچنین عدم برخورداری از وضعیت مطلوب آب و هوایی فقط بخاطر وجود مزار حضرت معصومه (ع) شکل گرفته و رشد کرده است. البته لازم به ذکر است که وجود همین مزار و گرد هم آمدن توده های جمعیتی در این شهر باعث عبور راههای تجاری و اقتصادی از آن و به تبع آن رشد و توسعهٔ شهر شده است.

بنا بر آنچه گفته شد، موقعیتهای مکانی شهرهای ایران توسط عواملی چون عناصر طبیعی، وجود جاده های تجاری و ملاحضات نظامی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی تعیین شده اند. با وجود این در ایران، مانند بسیاری مناطق دیگر جهان، شهرها بصورت سنتی در نواحی دارای منابع آب قابل دسترس و پسکرانه های نسبتا قابل کشت ساخته شده اند. به همین دلیل است که می بینیم بیشتر شهرهای ایران در دشتهای پایکوهی و نواحی جلگه ای و یا دشتهای هموار پا گرفته اند. چرا که شرایط زیستی و معیشتی مساعد فقط در این گونه ناهمواری، امکان استقرار انسان را فراهم می سازد.

شهر کهن تابران توس واقع در خراسان رضوی که طی قرون دوم تا نهم هجری حیات داشته، یکی از شهرهای مهم منطقهٔ توس محسوب می شده که با توجه به پرورش بزرگانی مانند حکیم ابوالقاسم فردوسی، امام محمد غزالی، خواجه نصیر الدین توسی و... نقش به سزایی در عرصهٔ فرهنگ و ادب و علوم دینی و دنیوی کشورمان ایفا نموده است. با توجه به اینکه وضعیت شهرسازی و شهرنشینی ایران در دوران اسلامی و ضوابط حاکم بر آن همواره یکی از دغدغه های اساسی و مهم در تفسیر هنر معماری این سرزمین به شمار رفته و می رود و وجود این واقعیت که کمتر شهر سالم و پابر جایی از دوره های اولیهٔ قرون اسلامی به جای مانده(متاسفانه ارگ شهر بم نیز که استثنایی در معماری شهرسازی ایرانی اسلامی محسوب می شد در اثر زلزلهٔ ویرانگر سال ۱۳۸۲ از بین رفت.)، شناخت معماری و شیوهٔ شهرسازی و سایر مسایل مربوط به شهر تابران توس اهمیت می یابد. در این مقاله ابتدا به معرفی شهر

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تابران توس پرداخته و سپس عوامل تکوین و گسترش و همچنین علل زوال و انحطاط آن را از دیدگاه عوامل جغرافیایی مورد بررسی قرار می دهیم.

شهر تابران توس:

شهر تاریخی ویران شدهٔ تابران توس(توس یا فردوسی کنونی) که تا پیش از پیدایش شهر مشهد مقدس همراه با نوغان از مهمترین مناطق ولایت توس در دوران اسلامی به شمار می آمده است، امروزه تنها شامل چند روستای کوچک به نامهای توس سفلی، توس علیا و اسلامیه[1] می شود که در ۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و در ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و در بلندی ۹۷۰ متری از سطح دریا و در دشتی معتدل، خشک در ۲۴ کیلومتری شمال غربی شهر مشهد واقع شده است.(تصویر شمارهٔ ۱) بر اساس آخرین تغییرات مناطق تابعهٔ شهرستان مشهد در سال ۱۳۸۱، توس امروزی(به مرکزیت کاظم آباد) یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مشهد محسوب می شود.

شغل اکثر ساکنان این روستاها که در درون حصار قدیمی شهر جای گرفته اند، کشاورزی و دامپروری است. متاسفانه فعالیتهای کشاورزی و ساختمانی سالهای متمادی، بخصوص در سالهای اخیر باعث شده که عموم پستی و بلندی های به جای مانده از آثار معماری مربوط به منازل، محلات، کوچه ها و گذرها و بازارهای این شهر تاریخی و قدیمی از بین برود و به جای آن واحدهای مسکونی نوساز با مصالح جدید بر روی این سند معتبر تاریخی و فرهنگی ایران دورهٔ اسلامی قرار گیرد. با وجود همهٔ این تخریبها، خوشبختانه هنوز چند اثر تاریخی مهم مانند بقعهٔ هارونیه و مقبرهٔ فردوسی توسی، شاعر معروف و حماسه سرای ایران در قرن چهارم ه.ق و حصارهای دفاعی شهر که در نوع خود از سالمترین حصارهای دفاعی شهرهای ایران در طول دورهٔ اسلامی محسوب می شود و ارگ حکومتی، از جمله آثار معماری به جای مانده از این شهر کهن است.(تصویر شمارهٔ ۲)

شهر تابران توس در تقسیم بندی که از انواع مختلف قلعه ها صورت گرفته در دستهٔ قلعه های دشتی یا جلگه ای جای می گیرد. این نوع قلعه ها در نخستین نگاه با برج و بارویشان مشخص می شوند. این قلعه ها را می توان شکل اولیه یا هستهٔ قدیمی شهرها دانست که معمولا در کنار راههای مهم کاروان رو، کرانهٔ رودخانه های پرآب، کنار چشمه سارهای کوهستانی و یا در انتهای قنواتی که کیلومترها در دل زمین حفر شده و آب را بر سطح زمین جاری می کردند، بنا می شدند.

بنا بر شواهد و مدارک بدست آمده از بررسی و کاوشهای باستانشناسی صورت گرفته در شهر تابران توس، قدیمی ترین آثار مربوط به حضور انسان در این شهر به قرن دوم هجری قمری باز می گردد.[۱] چنین به نظر می رسد که شهر توس باستانی که در دورهٔ پیش از اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده تا این تاریخ حیات داشته و از این تاریخ به بعد، ابتدا برای مدت کوتاهی شهر نوغان و سپس شهر تابران توس جایگزین آن شده و به همین دلیل در

---

[1] – بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵، روستاهای مذکور به لحاظ واحدهای مسکونی تعداد خانوار و تعداد جمعیت، دارای مشخصات زیر بوده اند.

الف:توس سفلی دارای ۳۰۶ واحد مسکونی، ۳۴۴ خانوار و جمعیت کل ۱۶۹۵ نفر.

ب: توس علیا دارای ۶۱ واحد مسکونی، ۶۷ خانوار و جمعیت کل ۳۱۷ نفر.

ج: اسلامیه دارای ۲۲۳ واحد مسکونی، ۲۵۸ خانوار و جمعیت کل ۱۲۶۸ نفر.(سرشماری عمومی نفوس و مسکن– ۱۳۷۵– شناسنامهٔ آبادیهای کشور– شهرستان مشهد، استان خراسان، تهران مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.)

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

ادوار بعد شهر تابران با نام شهر توس مترادف می شود. در قسمت ذیل مهمترین عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکل گیری شهر تاریخی تابران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عوامل تکوین و گسترش شهر تابران توس

۱- وفور منابع آب در اطراف شهر:

اگر سایر عوامل مؤثر بر استقرار و ایجاد تمدن در یک منطقه را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که مهمترین عامل، وجود آب مناسب برای شرب انسان و دام و همچنین کشاورزی می باشد. انسان از روزی که به یکجانشینی متمایل گردید با مشکل دسترسی آسان به منابع، جهت تامین آب مورد نیاز روبرو گردید، زیرا با عدم دسترسی به منابع آب مناسب و کافی قابل اعتماد، امکان استقرار او وجود نداشت و از همین رو است که او ابتدا در حاشیهٔ رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و چشمه‌هایی که دارای آب مناسب و مطمئن بودند، استقرار یافت. بعدها او آموخت که با حفر زمین نیز می‌تواند به آبهای زیرزمینی دست یابد و از این طریق موفق شد آبهای زیرزمینی را از طریق چاه و یا قنات به سطح زمین منتقل کند. بدین وسیله از وابستگی خویش به اراضی ساحلی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها که معمولا در فصول طغیانی نیز باعث بروز خسارات عمده‌ای می‌شد، بکاهد.

از آن زمان تا کنون منابع تامین آب مراکز جمعیتی و شهرها شامل دو منبع اصلی آبهای سطحی و زیرزمینی می‌باشد. علاوه بر این با آنکه بیش از دو سوم سطح زمین را آب تشکیل می‌دهد، اما انسان از ابتدا تا کنون همواره با کمبود منابع آبی روبرو بوده، زیرا اکثر این منابع که آب رودها، دریاچه‌ها، دریاها و اقیانوسها را در بر می‌گیرد به علت کیفیت و وضعیت شیمیایی‌شان و املاحی که در آنها وجود دارد، نمی‌توانند مورد استفادهٔ شرب و کشاورزی و حتی فعالیتهای صنعتی انسان قرار گیرند. به همین علت است که انسان از آغاز یکجانشینی بیشتر در کنار دریاچه‌ها و رودخانه‌هایی رحل اقامت افکنده که دارای آب مناسب بوده‌اند. شاید به همین علت است که در کنار دریاچهٔ هامون که یک دریاچهٔ آب شیرین است، با یکی از قدیمی ترین مراکز تمدن انسانی در شرق ایران تحت عنوان تمدن شهر سوخته روبرو می‌شویم که این تمدن برای حداقل دو هزاره به بقای خویش ادامه داده است. (تمدن های مصر- بین النهرین- در کنار رودخانه‌ها- و تمدن ری در کنار چشمه علی فعلی از دیگر مثالها می باشند).

در انتخاب مقر یک شهر باید به این نکته توجه داشت که شهر در حاشیهٔ رودخانه ای بنا شود و یا اینکه موقعیت بنای شهر طوری انتخاب شود که اطراف آن را چشمه های گوارا فرا گرفته باشند. زیرا آب اولین و ضروری ترین نیاز برای ساکنان یک شهر است. به همین جهت در تعیین موقعیت بنای شهر، آب مهمترین نقش را دارد و جغرافیدانان و جهانگردان مسلمان به کرات به تعریف از شهرهایی پرداخته اند که از آب شیرین برخوردار بوده اند. شیرینی آب از جمله ویژگیهایی بود که شهری را از شهر دیگر متمایز می کرد.[۲]

وفور آب شیرین بدین معناست که آب موجود بیش از نیاز شهر بوده تا فرصت توسعهٔ شهر در آینده میسر باشد. همچنین باید منابع آبی به گونه ای باشند که بتوان آنها را به آسانی برای هدایت به تاسیسات شهری برنامه ریزی کرد. در ضمن کیفیت آب باید به نحوی باشد که علاوه بر تامین نیازهای متفرقه، گوارا و قابل شرب باشد.[۳]

وجود آب فراوان، بخصوص در شهرهای اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است، زیرا علاوه بر مصارف شرب و کشت و زرع، مصارف دیگری هم داشته که نیاز به آن را افزایش می داده است. از جمله استفاده از آب به عنوان عامل خنک کننده بوده که این امر از طریق جویهایی که در طول خیابانها و مجاری کوچه ها جریان داشته، صورت می گرفته است.[۴]

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

آب مورد نیاز ساکنان شهر تابران توس عمدتا بوسیلهٔ منابع آب سطحی موجود در منطقه مانند رودهـا و چـشمه هـا تامین می شده است. در این قسمت به معرفی مهمترین این منابع می پردازیم.

الف- رودخانهٔ کشف رود: دشت توس که همان حوزه آبریز کشف رود است، از گذشته های دور برکت و آبادانی خود را از وجود این رودخانه داشته زیرا براثر آبرفت آن خاکی رسوبی و حاصلخیز به ضـخامت ۱۵۰ تـا ۲۰۰ متـر تشکیل شده و یکی از مستعدترین و مرغوبترین زمینهای استان خراسان را با سفره های آب زیرزمینی فراوان فـراهم آورده است.[۵]

در منابع تاریخی – اسطوره ای از جمله در کتاب بندهش که خلاصه ای از منابع زرتشتی ایران است و در قرن سوم هجری تدوین شده، به صراحت از رودخانهٔ توس با عناوین کاسه رود، کسف رود، رود وه یا وه رود یاد شـده و در این باره چنین آمده است: کاسه رود به آب توس شهر بیاید. آن را آنجا کسف رود خوانند. این همان رود وه اسـت که آنجا کاسه خوانند، در سند نیز کاسه خوانند.[۶] با توجه به اهمیت این رود، در شاهنامهٔ فردوسی نیز بارهـا از آن یاد شده است.[۷]

رود مزبور که رودخانه ای فصلی محسوب می شود از سرچشمه آن در اولنگ رادکان تا محل پـل خـاتون واقـع در شرق سرخس جریان یافته و پس از قطع نمودن دنبالهٔ رشته کوه هزار مسجد و کپه داغ به هریـرود کـه از کوههـای هندوکش افغانستان سرچشمه می گیرد، می پیوندد و پس از این نام مشترک آن دو رود تجن می شود. رود تجن به شمال غرب می پیچد و پس از عبور از سرخس وارد دشت خاوران شده در ریگزارهای کنار شـهر تجـن و ابیـورد فرو می رود.[۸]

وجود کوهستانهای رفیع هزار مسجد و بینالود در شمال و جنوب منطقهٔ توس که اکثر قلل و ارتفاعات آنها در فصل سرد و بهار پوشیده از برف می باشد، ذخیرهٔ آبی خوبی را بـرای سرشـاخه هـای کـشف رود بوجـود آورده اسـت. متوسط حجم آب سالانهٔ این رود حدود ۴۰ میلیون متر مکعب می باشد[۹] و دشتی را که تـشکیل داده حـدود ۱۵۰ کیلومتر درازا دارد که پهن ترین قسمت آن تقریبا به ٤٠ کیلومتر می رسد.[۱۰]

حداکثرمیزان آب این رود که زهکش طبیعی کلیهٔ رودخانه های واقع در بین دو رشته کـوه هـزار مـسجد و بینـالود محسوب می شود، در فصل بهار است و حتی گاهی باعث سیلابهای عظیم موقتی می شود که فرسایش شدید را در بستر رودخانه موجب می شود. نتیجهٔ این فرسایشها بصورت تراستهای آبرفتی عهـد حاضـر در دو طـرف رودخانـه ظاهر می شود. رودخانهٔ مزبور از نوع رودخانه های مآندری بـوده و گـسترش دشـت سـیلابی آن متغییـر اسـت.در بعضی نواحی بویژه در شرق منطقه به علت وجود ارتفاعات آق درند و رشته کوههای مزدوران، دشـت سـیلابی در حاشیهٔ رودخانه تشکیل نشده است. شاخهٔ اصلی این رود با طولی حدود ۱۷۰ کیلومتر، مساحتی برابر ۳۳۱۹ کیلومتر مربع را در دشت مشهد و مساحتی در حدود ۱۰۵۸ و ۷۶۶ کیلومتر مربع را در دشتهای کم آب و کوچکتر نریمـانی – پل خاتون و سنگ بست زیر پوشش دارد. سرشاخه های رودخانهٔ کشف رود که دیگر رودخانـه هـای جـاری در منطقه محسوب می شوند، از غرب به شرق منطقه عبارتند از: چکنه، اخلمـد، فریـزی، گلمکـان، رادکـان، اسـجیل، خرمدره، زشک، شاندیز، ارداک، جاغرق، صار، کارده، طرق، بیدک، تنگل شور، ماه نسا و کلاته رحمان. آب در ایـن سرشاخه ها عمدتا به مصرف کشاورزی رسیده و بقیه در بستر رودخانـه نفـوذ مـی کننـد. رودخانـهٔ کـشف رود در بخش غربی(بخش کوهستانی) حوضهٔ آبریزخود، رژیم آبدهی برفی- بارانی دارد و حجم عمـدهٔ جریـان سرشـاخه های آن در بهار ناشی از ذوب برف است. جریان این رودخانه ها در محل ورود به دشت در مخروط افکنه ها نفوذ می کند و به همین علت رودخانهٔ کشف رود در دشت مشهد معمولا فاقد جریان است. با توجه به اینکـه سرشـاخه

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

های کشف رود دارای رژیم برفی هستند، پر آب ترین فصل آبدهی رودخانـهٔ کـشف رود در بهـار و پـس از آن در زمستان است و در دیگر فصول سال غالبا کم آب و یا خشک است. شایان ذکر است کـه در حـال حاضـر روی دو سرشاخهٔ کشف رود (طرق و کارده) سد مخزنی در دست بهره برداری است و رژیم رودخانه در پایین دسـت ایـن سدها کنترل شده و غیر طبیعی است. در سایر سرشاخه ها رژیم طبیعی رودخانه جریـان دارد ولـی در آنهـا نیـز بـه علت بهره برداری از جریان آب رودخانه به منظور آبیاری زمینهای زیرکشت حاشیهٔ رودخانه، رژیم طبیعی رودخانه تحت تاثیر قرار گرفته است.

این رودخانه اگرچه امروزه به بستری تقریبا خشک تبدیل شده اما در گذشته تمامی آبادیها و مزارع دشت را سیراب می کرده بگونه ای که در حدود ۱۵۰ سال قبل تقریبا هزار روستا را در مسیر خود سیراب می کرده است.[۱۱]

شواهد زمین شناختی نیز حکایت از آن دارد کـه کـشف رود در حـدود هشتـصد هـزار سـال قبـل و در دوره پلـه ایستوسن همانند دریاچه ای گسترده و کم عمق بوده که در کرانه هـای آن اجتماعـاتی از انـسانهای اولیـه سـکونت داشتند.[۱۲]

درهٔ کارده که یکی از چند گذرگاه معدود و صعب العبور رشته کوه هزار مسجد واقع در شـمال دشـت تـوس مـی باشد، محل جریان یکی از شاخه های اصلی کشف رود است. اراضی شهر تابران و بسیاری از روسـتاهای تابعـهٔ آن مانند رزان، اندرخ، پاژ(زادگاه فردوسی) و فارمد و.. همگی از همین شاخهٔ کشف رود سیراب می شده اند.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مطلع الشمس در مورد این رود چنین نوشته است: این رودخانـه(کـشف رود) اگر چه در تابستان در اینمحل بیشتر از دو سنگ آب ندارد اما بواسطهٔ زهابهای بسیار که در مجرای آنست همه جـا روبه فزایش دارد. دم دروازهٔ طوس(شهر تابران توس) نهریست که از رودخانهٔ مذکور سوا شده، اراضی شهر را کـه حالا زراعتگاه است سیراب می سازد.[۱۳]

آب مورد نیاز ساکنان شهر از شعبهٔ جدا شده از رود کشف رود بوسـیلهٔ جویهـا و تنبوشـه هـای سـفالی بـه مراکـز مسکونی انتقال داده می شده است. در ضمن کاوشهای صورت گرفته در دو کارگاه عصاره کشی واقع در کنار معبـر سنگ فرش نزدیک بنای هارونیه بقایای دو رشته تنبوشهٔ سفالی یکی مربوط به آبرسانی و دیگری فاضـلاب کارگـاه بدست آمده است.[۱۴]

ب- چشمه گیلاس: چشمه گیلاس یا چشمه گلسب واقع در ۲۱ کیلومتری شمال غرب شهر تابران از چشمه هـای بزرگ و مشهور دشت توس بوده که قرنها قبل آبی زلال، گوارا و فراوان داشته است. این چشمه که هم اکنون دارای آب بسیار کمی است، تا سدهٔ نهم هجری آب زراعت و شرب بخشی از شهر تابران توس و پیرامون آن را تامین می کرده است. تا اینکه در زمان امیر علیشیر نوایی جریان آب چشمه را از تـابران تـوس بازگرفتـه و بـه مـشهد انتقـال دادند.(صص ۹۳ و۹۴ پاژ) ارتفاع چشمه گیلاس از سطح دریا ۱۰۱۰ متر و فاصلهٔ آن از شـهر مـشهد ۴۴ کیلـومتر و عمق چشمه ۴/۵ الی ۵ متر می باشد. آنچه از وضع چشمه بر می آید در موقع تشکیل به این عمـق نبـوده و بعـدها برای اینکه از آب چشمه استفاده کنند و زمینهای اطراف آنرا که از سطح چشمه ارتفاع بیشتری دارند، آبیـاری کننـد، اطراف چشمه را سدبندی کرده و دو نهر شرقی و غربی از آن جدا نموده اند و چـشمه عمـق کنـونی را پیـدا کـرده است.[۱۵] به نوشتهٔ محمد حسن خان صنیع الدوله آب چشمه گیلاس در اغلب فصول ده سنگ بوده است.[۱۶]

صنیع الدوله در نزدیک چشمه گلسب آثار نهر دیگری را مشاهده کرده که بواسطهٔ آن آب به شهر تابران تـوس مـی رفته است. و به زعم وی فردوسی قصد داشته از عطیه و صلهٔ شاهنامه بند محکمـی بـر ایـن آب ببنـدد و چـون آن

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عطیه را بعد از فوت فردوسی نزد دخترش آوردند وی بدان التفاتی ننمود اما بـا توصـیهٔ خـواهر فردوسـی آنـرا بـه مصرف ساختن بندی بر آب توس رساندند. با آنکه مشخص نیست که صلهٔ شاهنامه صـرف سـاختن بنـد بـر روی کدام آب شده، اما با توجه به اینکه کشف رود که عمدهٔ آب تابران را تامین می کرده، احتیاج به چنین بندی نداشته، احتمالا بند مذکور بر روی نهر واقع در نزدیک چشمه گلسب ساخته شده است. بنا به نوشـتهٔ صـنیع الدولـه، دختـر فردوسی برای اجرای آرزوی پدر با کمک مهندسین و کارشناسان ابتدا آب چـشمهٔ مزبـور را ۱۸ ذرع بـالا آورده تـا بتواند به محل مورد نظر جاری شود و بعد نهر مذکور را حفر کرده آب را به تابران برده اسـت کـه بعـد از خرابـی شهر تابران آب به صحرای بیزکی و میان ولایت می رفته است.[۱۷]

گر چه در دشت توس آثار سه سد یا بند آجری تاریخی در جلو درهٔ اخلومد (بدستور بایسنقر تیمـوری) و گلـستان (بدستور سلطان ابوسعید تیموری) و جلو رودخانهٔ مغان و خان رود (احتمالا از ابنیهٔ خیریهٔ امیر علیشیر نوایی وزیـر دانشمند سلطان حسین بایقرا) به جای مانده اما با توجه به اینکه هر سه مربوط به دورهٔ تیموریان است و عـلاوه بـر این در فاصلهٔ دوری از شهر تابران واقع شده اند، نمی تواند ارتباطی با بند ساخته شده توسط دختر فردوسی داشـته باشد.[۱۸]

۲- خاک حاصلخیز منطقه:

بطور کلی نوع خاک منطقهٔ توس از نوع رسوبات آبرفتی و رسوبی دوران کواترنری با چـسبندگی زیـاد اسـت کـه عبور دهی آب در آن به کندی صورت می گیرد و بسته به نوع بارش و میزان بارش و همچنین شیب منطقـه کـه در مهلت نفوذ دادن آب اهمیت دارد، عموما این تخلخل طبیعی بوسیلهٔ آب را در لایه های سطحی خـاک رس شـاهد هستیم. نوع رسوبات این دشت بر حسب جنس تشکیلات موجود در کوهستانهای مجاور متفاوت اسـت.[۱۹] ایـن رسوبات آبرفتی جدیدترین آبرفتهایی می باشند که بوسیلهٔ رودخانه های عهد حاضر به جای مانـده انـد و در واقـع روکشی از شن و قلوه سنگ و رسوبات دانه ریز بستر به ضخامت تقریبی یک متـر روی رسـوبات قـدیم بـستر تـه نشین شده است که خاک حاصلخیز و منابع آبی زیرزمینی غنی از آن ناشی می شود. این مسأله از زمانهای کهن تـا کنون باعث رونق کشاورزی در منطقهٔ مورد مطالعه گردیده است.

۳- آب وهوای مناسب منطقه:

انتخاب محلی خوش آب و هوا برای شهرسازی از جمله مهمترین معیارهای انتخاب محل بنای یک شهر بوده است زیرا انتخاب مناطقی بد آب و هوا و مجاور آبهای راکد و فاسـد و یـا در کنـار چاههـای مـتعفن و یـا چراگاههـای نامطلوب که ناگزیر حیوانات پیرامون خود را بیمار می کنند و به فراوانی هـم مـشاهده مـی شـوند، مطلـوب نمـی باشند.[۲۰]

همانطور که می دانیم وضعیت آب و هوای هر منطقه نتیجهٔ ترکیب عوامل مختلفی مانند حجم و جهـت جریانهـای هوایی، پستی و بلندی منطقه، طول و عرض جغرافیایی منطقه، دوری یا نزدیکی به دریا و.. می باشد که تغییر یک یا چند عامل آن باعث پیدایش اقالیم مختلف و تنوع آب و هوایی شده و در نتیجه تفاوت بـین محیطهـای مختلـف را سبب می گردد. بدین جهت در بررسی وضعیت آب و هوای یک منطقه، شناخت عوامل اقلیمی یکـی از مهمتـرین مسایل محسوب می شود زیرا این عوامل می تواند تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم همه جانبه ای در چگونگی آب و هوای آن منطقه داشته باشد و الگوههای خاصی از محیطهای زندگی و فعالیت انسانها را بوجود آورد.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بطور کلی ولایت توس در ناحیه معتدل شمالی قرار گرفته و به لحاظ تقسیمات آب و هوایی، حد فاصل دو منطقه آب و هوایی معتدل کوهستانی در شمال و غرب و آب و هوای نیمه بیابانی ملایم (کوهپایه ای) در قسمت شرقی و جنوبی واقع شده است. این منطقه به علت مجاورت با رشته کوههای نسبتا مرتفع دارای آب و هوای معتدل تا سرد و نیمه مرطوب است که میزان بارندگی سالیانهٔ آن در حدود ۳۰۰-۲۰۰ میلیمتر است.

در مجموع می توان گفت وضعیت اقلیمی و آب و هوای منطقهٔ توس شدیدا به ارتفاعات و رشته کوههای موجود در دو طرف دشت یعنی سلسله کوههای بینالود در شمال و رشته کوههای هزار مسجد در جنوب وابسته بوده و هست.

۴- اهمیت نظامی و سوق الجیشی:

نزدیکی جغرافیایی شهر تابران توس به مرزهای شمال شرقی ایران که همواره مورد تهدید و تعرض اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی قرار داشت یکی دیگر از مهمترین عوامل ایجاد این شهر بوده است. این موقعیت خاص قبل از شهر تابران و در دورهٔ پیش از اسلام برای شهر توس باستانی وجود داشت و بخصوص در دورهٔ ساسانی، از این شهر بعنوان پایگاه نظامی استفاده می شده است.

در دورهٔ مزبور حضور اقوام بدوی ترک نژاد همچون هونها و سکاها که در آنسوی مرزهای شرقی ایران می زیستند و با حملات متوالی خود در نواحی شرقی آشفتگی را برای منطقهٔ خراسان و دردسری را برای حکومتهای مرکزی ایران بوجود می آوردند، مشکل عمدهٔ شاهان ساسانی بود. این حملات و کشمکشهای دراز به لحاظ سیاسی تاثیر زیادی بر تاریخ منطقهٔ شرق ایران و بخصوص خراسان داشته است. منطقهٔ توس در این دوره به جهت نزدیکی به مرزهای شرقی و نقش تدافعی و نظامی آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده تا آنجا که ولایت مزبور دارای حاکم و مرزبانی خاص موسوم به کنارنگ بوده[۲۱] که احتمالا از اختیارات ویژه ای نیز برخوردار بوده است. شهر توس باستانی با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی اش، بصورت یک پادگان نظامی برای دفاع از منطقهٔ توس و مرزهای شرقی ایران عمل می کرده است. برخی از نویسندگان، علت برتری و رشد شهر نیشابور نسبت به شهر توس باستانی را در دوره ساسانی مربوط به موقعیت قرارگیری شهر نیشابور می دانند و معتقدند که نیشابور در تاخت و تازهای اقوام بدوی آسیای میانه، مرکز اداری امن تری نسبت به توس بوده است.[۲۲] برخی دیگر نیز فلسفهٔ وجودی شهر توس در دورهٔ ساسانی را، امنیت و آسایش ساکنان شهر نیشابور می دانند. آقای جنیدی در این رابطه چنین نوشته است:

« اما آنچه که برای پیش آمدن آسایش و آرامش در نیشابور شایستهٔ یادآوری است، شهر باستانی توس است که در شمال بینالود قرار داشته و جایگاه ارتش و سپاه ایران برای پیشگیری از یورشهای تاتاران بوده و می باید سنجید که اگر در همهٔ زمانها آن ارتش آماده در نیشابور به سر می برد، بخشی بزرگ از شهر ویژهٔ دژها و پادگانها می شد و از رونق بازارها و کتابخانه ها و کارگاهها می کاست .... واینچنین نیشابور دارای دو سپر از سوی توران بود: یکی کوه بینالود و دیگری شهر گرامی توس که پس از یورش مغولان دیگر از زیر آوار و خار و خاکستر برنخاست».[۲۳]

لازم به ذکر است که چون منطقهٔ توس از طریق درهٔ کارده به دژ و قلعهٔ کلات که مشرف بر دشت خاوران است، منتهی می گردد از دیرباز دارای اهمیت نظامی و سوق الجیشی مضاعف بوده است. بنابراین یکی از علل شکل گیری شهر تابران توس به مانند شهر باستانی توس، همین موقعیت خاص نظامی و دفاعی این شهر بوده است. به

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عبارت دیگر شهر تابران، از قرن دوم هجری جانشین شـهر تـوس باسـتانی شـده و وظـایف دفـاعی آن را در دورهٔ اسلامی انجام داده است.

عوامل جغرافیایی نابودی و انحطاط شهر تابران توس

با آنکه برخی عوامل جغرافیایی مطلوب می تواند باعث ایجاد یـک شـهر در یـک منطقـه شـود امـا برخـی عوامـل جغرافیایی نامطلوب دیگر نیز ممکن است به اضمحلال آن شهر بیانجامد. در این قسمت به چند عامل از این عوامل که در متروکه شدن شهر تابران نقش داشته، اشاره می شود.

۱- عدم وجود موانع دفاعی طبیعی:

یکی از شرایط انتخاب موقعیت یک شهر در گذشته این بوده است که مکان بطور طبیعی مستحکم باشـد و کـشیدن حصار استحکامات طبیعی را کامل کرده و این امکان را برای مردم فراهم کند تا در صورت لزوم از شهر خود دفـاع کنند.[۲۴]

یکی از وجوه استحکام طبیعی مربوط به زمین بوده که با حصارکـشی شـهر و بنـای آن بـر روی مکـانی غیـر قابـل دستیابی مثل بالای کوهی پهن و سنگلاخی و یا از طریق برگرداندن مسیر رودخانه ای کـه اطـراف آن را کـاملا دور بزند، می توانستند استحکام آن را افزایش دهند تا دستیابی به آن برای دشمن آسان نباشد.

همانطور که می دانیم شهر تابران توس به لحاظ امنیتی و تدافعی در میـان دشـتی واقـع بـوده کـه از هـر طـرف راه مهاجمین بدان باز بوده[۲۵] و از سوی دیگر در یکی از پرماجراترین نقاط تاریخ ساز (بر سر راه فلات بـه مـاوراء النهر) و یا به قولی در چهار راه حادثات قرار داشته که با توجه به این علل، به دفعات مکرر مورد تهـاجم و غـارت واقع شده است. مهمترین این حملات مربوط به دوره های مغول و تیموری می باشد. با وجود ویرانی این شـهر در دورهٔ مغول، پس از مدتی کوتاه و در اثر توجه گرکوز والی مغول خراسان، دوباره رونق گرفته است.[۲۶] اما آخرین و سهمگین ترین حمله به این شهر در دورهٔ تیموری به سال ۷۹۱ ه.ق و توسط میرانشاه، پسر تیمور صـورت گرفتـه است که باعث قتل عام ساکنان و کاهش شدید جمعیت این شهر شده است. این حمله که به علت یاغی گری یکی از امرای جانی قربانی به نام حاجی بیک جانی قربانی که در این زمان بر منطقهٔ توس حکومـت مـی رانـد، صـورت گرفت، موجب ویرانی کامل شهر تابران شد.[۲۷]

۲-دور بودن نسبی شهر تابران توس از راههای عمدهٔ تجاری:

پیشتر گفته شد که قرار داشتن یک شهر در مسیر راههای اصلی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. قرار گـرفتن این موقعیت در میان سایر مراکز مبادلات تجاری باعث می شد که اقتصاد آن شهر شکوفا و زندگی ساکنان آن تـوام با آسایش و ثروت باشد.[۲۸]

شهرها برای تامین مایحتاج خود یا متکی به محصولات اقلیمی خود بودند و یا ایـن نیازهـا را از طریـق تجـارت و مبادلهٔ کالا تامین می کردند. مکان یابی غالبا مرتبط به اقلیم، راههای تجاری مهمـی کـه بتواننـد نیازهـای خـود را از طریق آنها برطرف سازند و مازاد تولید را صادر کنند، بوده است. زیرا هیچ شهری قادر نبوده و نخواهـد بـود کـه از عهدهٔ رفع تمام نیازهای خود برآید.[۲۹]

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

این عامل همواره در ساخت شهرهای جدید در دستور کار رهبران سیاسی جوامع اسلامی قرار داشته است. بعنوان مثال، خلیفه منصور عباسی یکی از دلایل مناسب بودن محل فعلی شهر بغداد را برای ساختن پایتخت خود، راههایی می دانست که از هر طرف به آن ختم می شدند و می توانستند اقتصاد آن را شکوفا سازند.[۳۰]

برخلاف آنچه تصور می شود راه اصلی ابریشم از شهر تابران توس عبور نمی کرده است. مهمترین علت این امر، وجود رشته کوه عظیم بینالود در قسمت جنوبی این شهر است که همچون حصاری بلند مانع ارتباط فعال دشت توس و بخصوص شهر تابران با شهر بزرگ نیشابور، بعنوان مقصد بعدی راه ابریشم از دشت توس به طرف جنوب بوده است. همچنین با توجه به وجود رباطهای تاریخی چاهک و ماهی متعلق به قرون چهار و پنج هجری و با توجه به جهت قرار گیری آنها که در مسیر سرخس به نوغان(شهر نوغان ابتدا در نزدیک مشهد واقع بوده که با رشد و توسعهٔ شهر مشهد بعدها در بافت این شهر جای گرفته است و اکنون از آن شهر فقط نام محله ای در مشهد به جای مانده است) ساخته شده اند و رباطهای سنگ بست و شرف که در مسیر شرقی و غربی شهر نوغان قرار داشته، مشخص می شود که راه تجاری ابریشم از نوغان می گذشته است[۳۱] این در حالی است که هیچ کاروانسرای مهمی در مسیر شهر تابران قرار ندارد و به احتمال زیاد علت برتری نوغان در صدر اسلام نسبت به تابران توس و حتی متروک شدن تابران پس از حملهٔ میرانشاه تیموری همین دوری آن از راههای عمدهٔ تجاری بوده است.

نکتهٔ قابل ذکر دیگر این است که اشارهٔ متون تاریخی یا جغرافی‌ایی به شهر تابران توس بسیار کم است و غالب این اشارات هم بصورت نقل قول از دیگران است. علت این امر را احتمالا می بایست در دور بودن شهر تابران توس از مسیرهای ارتباطی شهرهای عمدهٔ خراسان بزرگ مانند نیشابور، مرو، سمرقند و.... جستجو کرد. علت دیگری که شاید در این کمبود منابع باقی مانده در رابطه با شهر تابران توس نقش داشته، احتملا کم اهمیت یا کوچک بودن این شهر بوده است.

۳- تغییر شرایط زیستی شهر با انتقال آب چشمه گیلاس(گلسب) به شهر مشهد در دورهٔ تیموری:

همانگونه که ذکر شد چشمه گیلاس یکی از مهمترین منابع تامین آب شهر تابران توس بوده است. با توجه به رشد و توسعهٔ بیش از حد شهر مشهد از دورهٔ تیموری به بعد، منابع آبی این شهر دیگر کفاف ساکنان این شهر بزرگ را نمی کرد، بنابراین امیر علیشیر نوایی وزیر عالم و هنر پرور سلطان حسین بایقرای تیموری، جریان آب چشمه را که پس از قتل عام مردم تابران بوسیلهٔ میرانشاه تیموری به هدر می رفت، از شهر تابران باز گرفته و بوسیلهٔ کانالی به شهر مشهد منتقل کرد. کانال مزبور در زمان شاه عباس صفوی ترمیم شد و با کشیدن خیابانی از غرب به شرق مشهد آن آب را از مسیر خیابان وارد حرم مطهر امام رضا(ع) کرده و به همین سبب به آب بالا خیابان شهرت یافته است. دولتشاه سمرقندی از مورخان دورهٔ تیموری در مورد انتقال آب این چشمه توسط امیر علیشیر چنین نوشته است:

« چند وقت است تا [امیر] همت عالی بر خیری گماشته که آب چشمه گل[گیلاس] را که از مشاهیر عیون خراسان است و از منزهات جهان و در اعلی ولایت طوس واقع است به مشهد مقدسهٔ رضویه آورد و مجاوران و مقیمان مشهد مقدس را از جور بی آبی خلاص سازد ... واین خیر بر جمیع خیرات شریفه اش شرف دارد و مشهد مقدسه از این جوی رشک بهشت برین و غیرت نگارخانهٔ چین خواهد شد.»[۳۲]

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

به احتمال زیاد در صورت عدم انتقال آب این چشمه به شهر مشهد، به مانند بسیاری از دیگر شـهرها، پـس از قتـل عام ساکنان، مردم اطراف و اکناف مجددا در شهر تابران جمع می آمدند و این شهر رونق می یافت.

نتایج:

عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی در توسعهٔ فیزیکی شهرها و مجتمع های زیستی تاثیر و نقش بسزایی داشته و دارند. وضعیت مناسب طبیعی یک منطقهٔ جغرافیایی می‌تواند امکانات مساعدی را بـرای گـسترش نقـاط شـهری فراهم سازد و بالعکس وضعیت نامناسب طبیعی، می‌تواند مانع آن شود. موقعیت و طرز قرارگیری یک شهر در مرکز مؤثر شبکهٔ ارتباطی نیز می تواند تاثیر بسزایی در بزرگ شدن یک شهر داشته باشد.

در گذشته نیز مانند دورهٔ معاصر مسایل زیست محیطی و جغرافیایی مهمتـرین نقـش را در شـکل گیـری و توسـعهٔ شهرها ایفا می کرده و تغییر نامطلوب آن شرایط، منجر به متروکه شدن یک شهر می شده است. همچنانکـه در ایـن دوره آب و چگونگی دسترسی به آن مهمترین مسئلهٔ جوامع مختلف را تشکیل می دهد و به گفتهٔ برخی دانشمندان جنگ آیندهٔ بشر نه به خاطر نفت بلکه به خاطر آب خواهد بود. در گذشته نیز این عامل که یکی از توابع جغرافیایی است، مهمترین نقش را در شهرنشینی داشته است.

مکان قرار گیری شهر تابران توس با توجه به ملاکهای طبیعی چون آب شیرین فراوان، خاک حاصـلخیز و موقعیـت خاص نظامی، انتخاب شده و پس از تغییر این ملاکها و با توجه به دوری نسبی این شهر از راههای مهـم تجـاری و اقتصادی از رونق افتاده و جای خود را به شهر مقدس مشهد بخشیده است.

نکتهٔ مهم قایل ذکر این است که برخی از عوامل جغرافیایی ممکن است دارای کارکردهای متبـاین باشـند. از جملـه در مورد شهر تابران توس، یکی از علتهای تکوین شهر، موقعیت خاص جغرافیایی آن بوده کـه بـه لحـاظ نظـامی و سوق الجیشی دارای اهمیت بوده است اما همین موقعیت جغرافیایی با توجه به اینکه فاقد موانع دفاعی طبیعی بوده، به سهولت توسط دشمنان مورد حمله قرار می گرفته و در کاهش جمعیت و متروکه شدن آن مؤثر بوده است.

با این وجود، عوامل جغرافیایی دیگر همچون کمبود آب که پس از انتقال آب چشمه گیلاس به شهر مشهد رخ داده و همچنین کاهش آب رود کشف رود، در روند متروکه شدن شهر، نقش بس مهمتری داشته اند. شایان ذکـر اسـت که متاسفانه امروزه نیز به دلیل وجود چاههای مکندهٔ متعدد در دشت توس منـابع آبـی زیـر زمینـی ایـن منطقـه در معرض تهدید قرار گرفته است. این تاثیر بر روی میزان آبدهی رود کشف رود و چشمه های موجود در منطقـه نیـز کاملا قابل تشخیص است بطوریکه آب کشف رود و چشمه های منطقه بسیار کم و در بیـشتر مـوارد خـشک شـده است.

در پایان اگر بخواهیم یک عامل غیر جغرافیایی مهم را که در متروکه شدن شهر تـابران نقـش داشـته نـام ببـریم، آن عامل مربوط به مسایل مذهبی خواهد بود. این عامل رسمیت یافتن مذهب تشیع از دورهٔ صفوی به بعد و به تبع آن اهمیت یافتن و بزرگتر شدن روزافزون شهر مقدس مشهد بوده که حتی جاذبه های زیادی برای ساکنان باقی مانـدهٔ شهر تابران برای مهاجرت به آنجا داشته است. این عامل نشان دهندهٔ میزان اهمیـت عامـل مـذهب در کنـار عوامـل جغرافیایی مطلوب و نامطلوب نامبرده، در شکل گیری و توسعهٔ برخی از شـهرهای ایـران دورهٔ اسـلامی و متروکـه شدن برخی دیگر می باشد.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

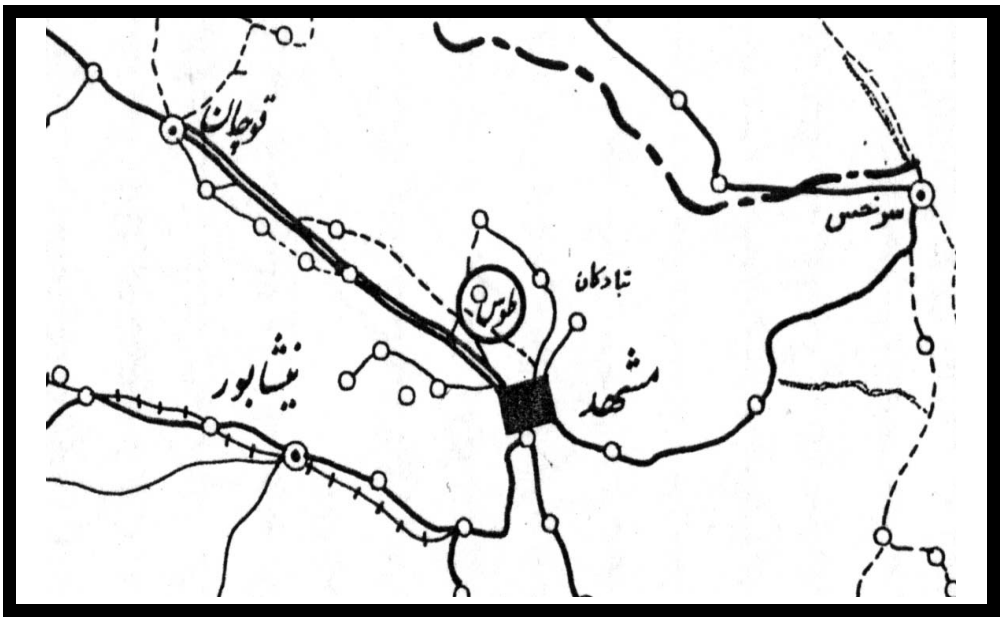

تصویر ۱- نقشهٔ موقعیت جغرافیایی شهر تابران توس

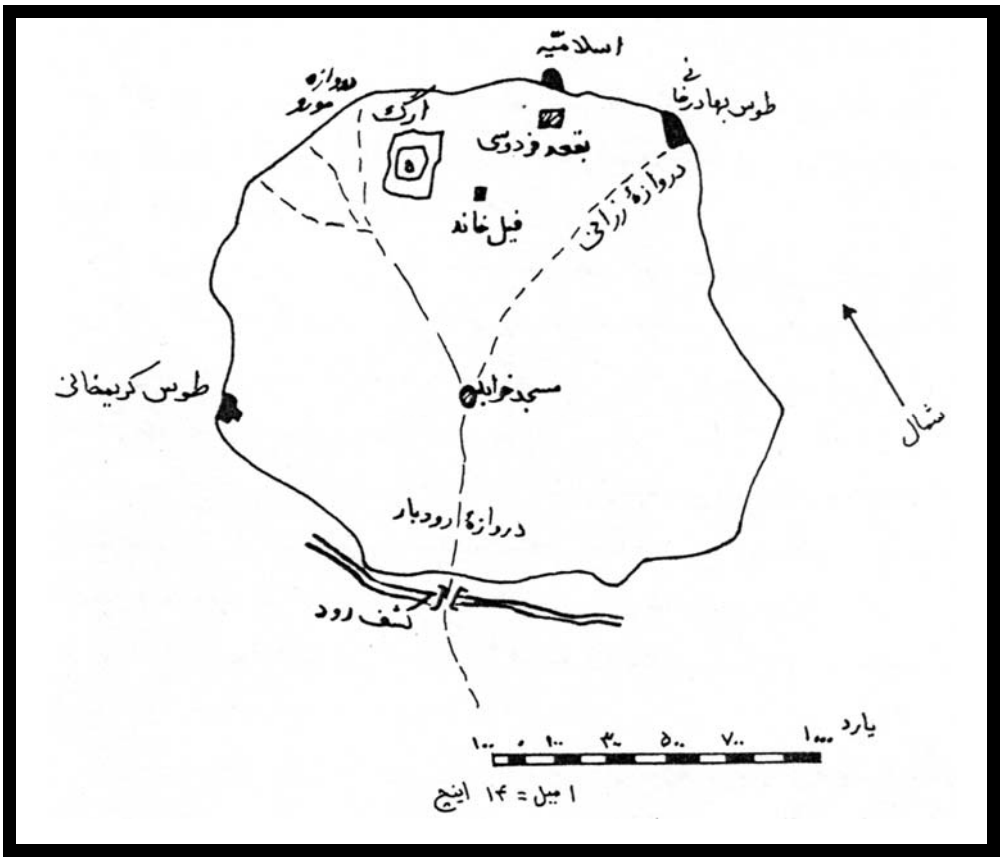

تصویر ۲- نقشهٔ ارائه شده توسط سرپرسی سایکس خاورشناس انگلیسی در قرن ۱۹ میلادی از شهر تابران توس

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مراجع:

۱- گزارشهای منتشر نشدهٔ حفاری شهر تابران توس، آرشیو میراث فرهنگی خراسان رضوی.

۲- محمد، عبد الستار عثمان، مدینهٔ اسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول،۱۳۷۶، ص۲۵۴.

۳- همان،ص۹۲.

۴- مسعود، خیرآبادی، شهرهای ایران، مترجمین: حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، مشهد، انتشارات مهشید، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵- عبدالرفیع، حقیقت، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران، انتشارات کوشش، تهران ۱۳۷٦.

٦- بندهش، فرنبغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹، ص ۷۶.

۷- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح متن م.ن عثمان اوف، زیر نظر ع. نوشین، مسکو، ۱۹۶۸، انستیتو ملل آسیا، انتشارات دانش شعبهٔ ادبیات خاور، ج ۷، ص ۲۴۸

[۸] - مهدی، سیدی، مشرق کم فرغ، (بخش رضویهٔ شهرستان مشهد)، انتشارات آهنگ قلم، ۱۳۸۳.ص۱۸.

[۹] - سعد ا...، ولایتی، و سعید، توسلی، منابع و مسایل آب استان خراسان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰، ص ۵۵-۵۶.

۱۰- تیبو، اک و آریایی، ع، جزئیات تازه ای پیرامون ابزار دیرینه سنگی ساخته شده از قلوه سنگ بدست آمده از خراسان، ترجمه آ.همپارتیان (مهرکیان) فصلنامه اثر شماره ۲٦ و ۲۷ ص ۱۲۷.

۱۱- محمد حسن خان، اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، جلد اول و دوم، اهتمام تیمور برهان لیمو دهی ،تهران، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳٦۲ ص ۱۹۱

۱۲- تیبو، آریایی، همان، ص ۱۲۷.

۱۳- محمد حسن خان، پیشین، ص۱۹۱.

۱٤- سید محمود، موسوی، توس شهر خفته در تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۰، ص۱۱۹.

۱۵- احمد، قنبری، جغرافیای شهرستان چناران، انتشارات جام آپادانا، مشهد، ۱۳۸۱، ص۵۶-۵۸.

۱٦- اعتماد السلطنه، پیشین، ص۱۸۳.

۱۷- اعتماد السلطنه، ص۱۸۲و۱۸۳.

۱۸- یادنامه شیخ طوسی(ابو جعفر محمدبن حسن طوسی) به کوشش: محمد واعظ زاده خراسانی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد،۱۳۵۴، ص۱۱۷و۱۱۶.

۱۹- وزارت آب و برق، ادارهٔ کل آبهای زیر زمینی، گزارش مطالعات آبهای زیر زمینی منطقهٔ چناران، ۱۳۵۰.

۲۰- محمد، عبد الستار عثمان، پیشین، ص۳۳.

۲۱- مینورسکی، طوس، مجلهٔ دانشکدهٔ الهیات مشهد، ش ۱۶و۱۷، ص۲۶۹.

۲۲- جمعی از نویسندگان، تاریخ ایران کمبریج، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۷، ج۳، قسمت دوم، ص۱۷۶.

۲۳- محمد یوسف، کیانی، پایتختهای ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷٤، ص۳۳۱.

۲٤- محمد، عبد الستار عثمان، پیشین، ص۱۱۹.

۲۵- دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵ ،ص۱۶۳۳.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۲٦- عطاملک جوینی، تصحیح علامه محمد قزوینی، انتشارات بامداد، تهران، بی تا، ج ۲، ص۲۳۸

۲۷- خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، انتشارات خیام، تهران، بی تا، ج۳، صص۴۳۲و۴۳۳.

۲۸- محمد، عبد الستار عثمان، پیشین، ص۹۳.

۲۹- محمد، عبد الستار عثمان، ص۹۳و۹۳.

۳۰- محمد، عبد الستار عثمان، ص ۹۳.

۳۱- مهدی، سیدی، پیشین، ص۲۷.

۳۲- دولتشاه سمرقندی، تصحیح ادوارد براون، به کوشش محمد عباسی، انتشارات بارانی، تهران، بی تاریخ، ص۵۷۱.

فهرست منابع و مآخذ

۱- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مطلع الشمس، جلد اول و دوم، اهتمام تیمور برهان لیمو دهی، انتشارات فرهنگسرا، تهران، ۱۳٦۲.

۲- بندهش، فرنبغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹.

۳- تیبو، اک و آریایی، ع، جزئیات تازه ای پیرامون ابزار دیرینه سنگی ساخته شده از قلوه سنگ بدست آمده از خراسان، ترجمه آ.همپارتیان (مهرکیان) فصلنامه اثر شماره ۲٦ و ۲۷.

٤- جمعی از نویسندگان، تاریخ ایران کمبریج، ج۳، قسمت دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۷.

۵- حقیقت، عبدالرفیع، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران، انتشارات کوشش، تهران ۱۳۷٦.

٦- خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، انتشارات خیام، تهران، بی تا.

۷- خیرآبادی، مسعود، شهرهای ایران، مترجمین: حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، چاپ اول، انتشارات مهشید، مشهد، ۱۳۷۶.

۸- دایره المعارف فارسی، ، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵.

۹- دولتشاه سمرقندی، تصحیح ادوارد براون، به کوشش محمد عباسی، انتشارات بارانی، تهران، بی تاریخ، ص۵۷۱.

۱۰- سرشماری عمومی نفوس و مسکن- ۱۳۷۵- شناسنامهٔ آبادیهای کشور- شهرستان مشهد، استان خراسان، تهران مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.

۱۱- سیدی، مهدی، مشرق کم فروغ(بخش رضویهٔ شهرستان مشهد)، انتشارات آهنگ قلم، ۱۳۸۳.

۱۲- شیعه، اسماعیل، مقدمه‌ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران،۱۳۷۱.

۱۳- عبد الستار عثمان، محمد، مدینهٔ اسلامی، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.

۱٤- عطاملک جوینی، تصحیح علامه محمد قزوینی، انتشارات بامداد، تهران، بی تا.

۱۵- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح متن م.ن عثمان اوف، زیر نظر ع. نوشین، مسکو، ۱۹۶۸، انستیتو ملل آسیا، انتشارات دانش شعبهٔ ادبیات خاور، ج ۷.

۱٦- قنبری، احمد، جغرافیای شهرستان چناران، انتشارات جام آپادانا، مشهد، ۱۳۸۱.

۱۷- کیانی، محمد یوسف، پایتختهای ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷٤.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۱۸- موسوی، سید محمود، توس شهر خفته در تاریخ، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۰.
۱۹- مینورسکی، طوس، مجلهٔ دانشکدهٔ الهیات مشهد، ش ۱۶و۱۷.
۲۰- وزارت آب و برق، ادارهٔ کل آبهای زیر زمینی، گزارش مطالعات آبهای زیر زمینی منطقهٔ چناران، ۱۳۵۰.
۲۱- ولایتی، سعد ا... و توسلی، سعید، منابع و مسایل آب استان خراسان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.
۲۲- یادنامه شیخ طوسی(ابو جعفر محمدبن حسن طوسی) به کوشش: محمد واعظ زاده خراسانی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد،۱۳۵۴.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]